

بررسی تأثیر تلویزیون بر مهارت‌های تحصیلی

کودکان و نوجوانان

معرفی مقاله

نویسنده: دکتر مهرناز شهرآرای

پژوهش‌های انجام‌شده نشان داده‌است که تلویزیون به‌عنوان وسیله‌ای اثربخش در آموزش، بر رشد ذهنی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی و حتی جسمانی کودکان و نوجوانان تأثیر عمیق و گسترده داشته‌است، به‌همین دلیل بررسی و شناخت عوامل مؤثر به منظور بهبود برنامه‌های آموزشی در تلویزیون، ضرورت دارد.

در این مقاله، تأثیر تلویزیون بر عملکرد تحصیلی کودکان و نوجوانان مورد بحث قرار گرفته‌است. در قسمت اول مقاله، با استناد به پژوهش‌های انجام‌شده، نظرات دانش‌آموزان، والدین و مربیان در مورد تأثیر تلویزیون مطرح گردیده‌است. در قسمت دوم اثرات مثبت و منفی تلویزیون بر عملکرد تحصیلی مورد بررسی قرار گرفته‌است. در پایان، با توجه به محدودیت‌های پژوهش‌های موجود و همچنین شرایط خاص جامعه ایران، پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده ارائه گردیده‌است.

نویسنده مقاله معتقد است که با انجام پژوهش‌های پیشنهادشده که ابعاد عمده آنها در این مقاله مطرح گردیده‌است نه تنها می‌توان به "تأثیر تلویزیون بر عملکرد تحصیلی کودکان و نوجوانان ایرانی" پی برد، بلکه شاید بتوان به این سؤال مهم پاسخ داد که: "چه کنیم تا تلویزیون بر عملکرد تحصیلی و کلاً رشد و تحول فراگیر کودکان و نوجوانان ایرانی اثر سازنده و مفید داشته‌باشد.

این مقاله را خانم دکتر مهرناز شهرآرای عضو هیأت علمی

دانشگاه تربیت معلم نوشته و در اختیار فصلنامه قرار داده است که به این وسیله از ایشان قدردانی می‌شود.

فصلنامه»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی‌های انجام شده:

الف: نظرات دانش آموزان

در مطالعه‌ی انجام شده توسط برکچیان - کاشفی، معلوم گردید که دانش آموزان مدارس راهنمایی معتقد بودند که برنامه‌های درسی تلویزیون آموزشی در یادگیری آنها نقش مثبت داشته‌است. (۱) همین بررسی نتایج نشان داد که $90/6\%$ دانش آموزان جواب مثبت و $9/4\%$ جواب منفی داده‌اند که در سطح 99% اطمینان تفاوت بین جوابها معنی‌دار می‌باشد.

در پژوهشی که در سال 1370 ، که روی 1908 دختر و پسر در شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تهران بعمل آمد، کودکان و نوجوانان سالهای چهارم و پنجم و سه سال راهنمایی، تلویزیون را "خوب" دانسته ولی معتقد بودند که، بودن این وسیله در خانه "گاهی" مزاحم درس خواندن می‌شود و بر عملکرد درسی آنها اثر منفی می‌گذارد. دانش آموزان دوره راهنمایی، بیش از دانش آموزان سالهای چهارم و پنجم، تلویزیون را محل درس خواندن دانسته بودند. (۲)

ب: نظرات والدین و مربیان

مشاهدات کلینیکی و بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که بعضی از والدین و مربیان بر اساس باور کلی - که تلویزیون بر مهارت‌های تحصیلی کودکان و نوجوانان اثر منفی می‌گذارد - در طول سال تحصیلی و بخصوص در زمان برگزاری امتحانات، آنها را از مشاهده تلویزیون باز می‌دارند. این برخورد باعث می‌شود که کودکان و نوجوانان حتی از برنامه‌های بسیار مفید آموزشی و اخلاقی - که می‌تواند بر مهارت‌های تحصیلی آنها نیز تأثیر مثبت داشته‌باشد - محروم شوند.

این پژوهشها نشان داده‌اند که والدین و مربیان معمولاً به دلایل زیر، کودکان و نوجوانان را از مشاهده تلویزیون باز می‌دارند:

- ۱ - ترس از کم شدن علاقه به مطالعه مخصوصاً متون نوشتاری،
- ۲ - ناتوانی فرزندان آنها در برنامه‌ریزی کار و تفریح و تنظیم و اختصاص وقت کافی برای درس خواندن،
- ۳ - محدود شدن رشد کلامی (محدودیت در تعداد و تنوع واژگان)،
- ۴ - اتکاء شدید به محرک‌های دیداری و ناتوانی یا ضعف در پاسخ‌دادن به محرک‌های شنیداری،
- ۵ - متفعل شدن، که غالباً به صورت "عدم قبول مسؤلیت در انجام تکالیف" بروز می‌کند،
- ۶ - کم شدن علاقه یادگیری مطالب درسی،
- ۷ - اشکال در پردازش، تفسیر و ارزشیابی اطلاعات،
- ۸ - کاهش کنجکاوی و نوآوری،

۹ - عدم پیشرفت درسی و اُفت تحصیلی. (۳)

برای ارزیابی دقیقتر نظرات والدین، مربیان و دانش‌آموزان درباره "تأثیر منفی تلویزیون بر مهارت‌های تحصیلی کودکان و نوجوانان" و دسترسی به فرهنگی "صحیح" در بهره‌برداری از برنامه‌های تلویزیون، پژوهشهایی که مبین اثرات مثبت و منفی تلویزیون بر مهارت‌های تحصیلی کودکان و نوجوانان دارد مورد، بررسی قرار می‌گیرد.

"اثرات مثبت" تلویزیون بر مهارت‌های تحصیلی

در مطالعه انجام شده در ایران یافته‌ها، حاکی از آن است که تلویزیون آموزشی از دیدگاه والدین، دبیران و دانش‌آموزان دوره راهنمایی، اثری مثبت بر مهارت‌های تحصیلی دانش‌آموزان داشته است. هفتاد و پنج درصد از دبیران ضمن مثبت دانستن اثر تلویزیون آموزشی بر یادگیری دانش‌آموزان، معتقد بودند که "تلویزیون آموزشی" بسیاری از کمبودهای مدارس را جبران می‌کند.

مطالعه دیگری نشان داد که تلویزیون آموزشی باعث افزایش علاقه دانش‌آموزان به موضوعاتی که در مدرسه مطرح می‌گردد شده است. (۴)

مطالعات دیگر نیز نشان داده است که مشاهده بعضی از برنامه‌های آموزشی، مانند "Sesame Street" بر یادگیری واژگان کودکان ۳ تا ۵ ساله کم رفا که انگلیسی زبان دوم آنها بوده، اثر مثبت داشته است. (۵) مطالعات بلندمدت نشان داده است که این برنامه آموزشی، همچنین در یاددادن حروف و اعداد به کودکان پیش دبستانی، اثر مثبت داشته است. این کودکان هنگام ورود به دوره آمادگی دارای مهارت‌های بیشتری در خواندن بوده‌اند و اندوخته لغات آنها گسترده‌تر از کودکانی بوده است که این برنامه را کمتر مشاهده می‌کرده‌اند.

اهداف این برنامه، که از ابتدا به روشنی مشخص شده بوده، تسهیل تواناییهای شناختی مانند تشخیص دادن، تمایز (افتراق) اعداد و حروف، شمارش، ردیف کردن، طبقه‌بندی کردن و حل مسایل ساده بوده است. همانگونه که ذکر شد، ارزشیابی برنامه در پایان سال اول و بعد از ۲۰ سال نشان داده است که این برنامه در رسیدن به اهداف خود موفق بوده است. (۶)

بررسیهای دقیق، نشان داده است که در طرح و تهیه این برنامه از متخصصان تعلیم و تربیت و روانشناسی کودک استفاده قابل توجهی شده است و این برنامه با توجه به نیازهای خاص بینندگان برنامه و در رسیدن به هدفهای از پیش تعیین شده، موفق بوده است.

برنامه آموزشی دیگر به نام "The Electric company" که با هدف آموزش خواندن و تقویت برنامه درسی در دوره دبستانی تهیه شده بود نیز، اثرات مثبتی در رسیدن به اهداف خود داشته است. نکته جالب در زمینه ارزشیابی این برنامه این است که اثرات مثبت این

برنامه، زمانی که کودکان در کنار بزرگسالان بودند و آنها می‌توانستند کودکان را در بکاربردن مفاهیم ارائه شده یاری دهند، به مراتب بیش از زمانی بوده که کودکان این برنامه را به تنهایی مشاهده می‌کرده‌اند.

"اثرات منفی" تلویزیون بر مهارت‌های تحصیلی

در زمینه اثرات منفی تلویزیون بر مهارت‌های تحصیلی کودکان و نوجوانان، موارد زیر در پژوهشها مطرح گردیده‌است:

مطالعات انجام شده بوسیله اندرسن و کولینز نشان داده‌است که کودکان و نوجوانانی که زیاد تلویزیون نگاه می‌کنند، در کارکردها و تعهدات کلامی خود دچار تغییراتی می‌شوند؛ به این ترتیب که نیاز کمتری به صحبت کردن - و بخصوص صحیح سخن گفتن - نشان می‌دهند. (۷) این پژوهشگران همچنین گزارش کرده‌اند که علاوه بر کمتر صحبت کردن، این کودکان و نوجوانان نه تنها از واژگان کمتری استفاده می‌کنند بلکه واژگان آنها قالبی بوده و از تنوع کمی برخوردار است. افزون بر این، آنها در برابر مطالب درسی که با سرعت کمی ارائه می‌گردد، بی‌حوصله می‌شوند؛ یعنی پشتکار لازم و کافی را در توجه به مطالب نشان نمی‌دهند و از پرداختن به آن صرف‌نظر می‌کنند.

محدود شدن "فراخای توجه"^۱ از جمله مسایل مزاحم دیگر است. محدودیت زمان توجه، غالباً در دیگر فرآیندهای پردازش اطلاعات اثر نامطلوب می‌گذارد و یادگیری را دچار اختلال می‌سازد.

مطالعات دیگر نیز مبین اختلالاتی در زمینه پردازش اطلاعات بوده‌است؛ به این نحو که کودکان و نوجوانانی که ساعات زیادی مشغول تماشای تلویزیون می‌شوند، به فعالیت‌های ذهنی که مستلزم "رمزگردانی"^۲ است نیاز کمتر و در نتیجه توجه کمتری نشان می‌دهند و فقط به دریافت اطلاعات، "ثبت حسی"^۳ و نگهداری آنها در حافظه کوتاه‌مدت بسنده می‌کنند. در چنین وضعی، اطلاعات وارد حافظه بلندمدت نمی‌شود و با اطلاعات پیشین (ساختارهای ذهنی موجود) پیوند لازم را پیدا نمی‌کند. بنابراین، یادگیری به صورت "تغییر پایدار"^۴ به درستی صورت نمی‌گیرد و در فرآیند بازگردانی اطلاعات^۵، اختلالات مشهود ایجاد می‌کند.

مطالعات انجام شده توسط کورتین و ویلیامز هم نشان داده‌است که در اثر مشاهده تلویزیون، مطالعه کمتر صورت می‌گیرد و مهارت خواندن کندتر می‌گردد و بینندگان مطالبی برای خواندن انتخاب می‌کنند که تداوم ندارد؛ یعنی مثل کتاب دارای موضوع واحد، مشخص و پی‌گیر نیست و خواندن آن نیاز به توجه و تمرکز حواس مختصری دارد (۸). در این مورد، مورگان معتقد است که کودکان و نوجوانانی که بیش از چهار ساعت در روز به مشاهده تلویزیون می‌پردازند، بیشتر به مطالعه متونی که مربوط به برنامه‌های

مورد علاقه آنها در تلویزیون می‌باشد، خود را مشغول می‌کنند و علاقه کمتری به مطالعه کتابهای درسی نشان می‌دهند. به‌طور کلی، مورگان، کورتین و ویلیامز بر این عقیده هستند که به علت توجه به محرک‌های دیداری، علاقه و توجه به محرک‌های نوشتاری کم می‌شود و نتیجه آن - در کوتاه مدت - کندشدن مهارت خواندن و - در بلندمدت - علاقه کمتر به مطالعه متون نوشتاری و بویژه کتابهای درسی است.

مطالعات دیگر همچنین نشان داده‌است که کودکان و نوجوانان نسبت به گفته دیگران - که محرک‌کی شنیداری است - بی‌توجه می‌شوند؛ یعنی آنها در "گوش‌دادن فعال" دچار اختلال می‌گردند. در مورد نوشتن نیز - همانطور که اغلب در تلویزیون معمول است - نوشته‌های آنها نظم و سازماندهی لازم و کافی را ندارد. این پژوهشگر، به این نتیجه رسیده است که تأثیر منفی مشاهده تلویزیون بر "گوش‌دادن فعال" و نوشتن غالباً باعث "افت تحصیلی" و ترک تحصیل می‌شود. (۹)

ویلیامز معتقد است که علاوه بر ایجاد اختلال در پردازش اطلاعات، کودکان و نوجوانان در یادگیری از طریق محرک‌های شنیداری دچار مشکل می‌شوند و کنجکاوی آنها نیز کاهش می‌یابد.

همانگونه که مشاهده می‌شود، یافته‌های بسیاری از تحقیقات در زمینه اثرات منفی تلویزیون بر کارکردهای ذهنی و مهارت‌های تحصیلی، تأییدکننده نظرات ناشی از تماس مستقیم و تجربه والدین و مربیان می‌باشد.

هورنیک، بر مبنای فرضیه‌های گوناگون، پژوهشهای مختلف را مورد ارزشیابی قرار داد (۱۰) و به این نتیجه رسید که شواهد ضعیفی مبنی بر اثر منفی تلویزیون بر مهارت‌های تحصیلی کودکان و نوجوانان وجود دارد. به‌نظر او، بیشتر پژوهش‌ها نشان‌دهنده اثر منفی تلویزیون بر توانایی و علاقه به خواندن بوده‌است.

به‌طور کلی، تأثیر تلویزیون بر عملکرد درسی کودکان و نوجوانان موضوع پیچیده‌ای است و مستلزم توجه به عوامل بسیار می‌باشد؛ به‌نظر می‌رسد که تأثیر تلویزیون بر مهارت‌های تحصیلی کودکان و نوجوانان تابعی است از انواع برنامه‌هایی که آنها مشاهده می‌کنند. برنامه‌های آموزشی که با هدف‌های خاص آموزش مهارت‌های درسی، با کمک متخصصان تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزی درسی تدوین شده‌است، معمولاً اثرات مثبت بر مهارت‌های تحصیلی دانش‌آموزان داشته‌است. (۱۱)

محدودیت‌های موجود

از بررسی این پژوهش‌ها معلوم می‌شود، که در مورد اثرات مثبت و منفی تلویزیون بر مهارت‌های تحصیلی کودکان و نوجوانان، هنوز نتیجه قابل اتکایی بدست نیامده‌است. موقعیت، تجربیات و تحقیقات ناکافی ما، در ایران، نشان می‌دهد که بر مبنای یافته‌های

ذکر شده، نمی توان به این سؤال که: "آیا تأثیر تلویزیون بر مهارتهای تحصیلی کودکان و نوجوانان ایرانی مثبت یا منفی است پاسخ قطعی داد زیرا:
اولاً: مطالعات انجام شده دارای اشکالاتی است، از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف: به دو متغیر پیشرفت درسی و تلویزیون و چگونگی تأثیر آنها بر یکدیگر توجه لازم و کافی مبذول نشده است. بیشتر مطالعات، فقط مدت زمان مشاهده تلویزیون را به عنوان "متغیری اساسی" مورد توجه قرار داده است. پیشرفت درسی نیز از طریق نمراتی که دانش آموزان در آزمونهای مختلف - مثلاً خواندن یا ریاضیات بدست آورده اند - محاسبه شده است. در این پژوهشها، توجه نشده است که اگر دانش آموزی مثلاً در ریاضیات افت پیدا کرده آیا در برابر آن خلاقیت یا کنجکاوی بیشتری در او مشاهده شده است یا خیر؟ در این پژوهشها، به درستی معلوم نیست که از دو متغیر "پیشرفت تحصیلی" و "مدت زمان" مشاهده تلویزیون، کدام علت و کدام معلول است. ممکن است دانش آموزی که عملکرد درسی مطلوب ندارد، به عنوان فرار از قبول مسئولیت و کار یادگیری - که به صورتی انگیزه ای مثبت برای آن ندارد - به تلویزیون پناه برد. این از جمله نکاتی است که در تحقیقات آینده باید به دقت مورد مطالعه قرار گیرد.

ب: در مطالعات نقش عوامل مختلف از قبیل: وضع اقتصادی - اجتماعی، انگیزه پیشرفت، نحوه اسناد کودکان و نوجوانان، کنترل میزان ساعات مطالعه و مشاهده نوع برنامه های تلویزیونی - آموزشی و غیر آموزشی - به درستی کنترل نشده است.

پ: با توجه به اینکه مشاهده تلویزیون و پیشرفت درسی در یک محیط وسیع تر صورت می گیرد و تعامل و اثرات متقابل و چندجانبه فرهنگ تلویزیون، خانواده و مدرسه بر عملکرد درسی کودکان و نوجوانان اهمیت دارد، به تأثیر این عوامل توجه محدود شده است.

به عبارت دیگر، تأثیر تلویزیون بر کودکان و نوجوانان در چارچوب یک "الگوی تأثیر دوجانبه" کمتر مورد توجه بوده است.

ثانیاً: موقعیت ما با جوامعی که پژوهشها در آنها انجام پذیرفته است، تفاوت دارد. از جمله تفاوتها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف: تعداد شبکه های تلویزیونی در کشور ما محدود است و بیننده قدرت انتخاب کمتری دارد.

ب: کودکان ایرانی در مقایسه با کودکان غیر ایرانی وقت کمتری صرف مشاهده تلویزیون می کنند.

پ: برنامه ها و به ویژه برنامه های آموزشی ارتباط بیشتری با مفاهیم و ارزشهای ارائه شده در مدرسه دارند.

ت: خانواده‌های ایرانی در مقایسه با خانواده‌های جوامع غربی - حداقل در سطح دبستان و تا حدی در سطح راهنمایی - کنترل و نظارت بیشتر بر رفتار کودکان و نوجوانان دارند.

پیشنهاد برای پژوهشهای آینده

در حالی که پژوهشهای ذکر شده می‌تواند ما را در انتخاب راه تحقیقات فراگیر و اختصاصی مناسب خودمان یاری دهد، ضرورت دارد که با توجه به اهداف و نیازهای خاص جامعه خود، طرح و برنامه‌ریزی دقیق و فراگیر، مبتنی بر شناختی علمی، به انجام مطالعاتی وسیع و متناسب با جامعه خود اقدام کنیم.

در انجام این مطالعات باید کودکان و نوجوانان خود را به درستی بشناسیم. کودکان و نوجوانانی که ضمن پشت سر گذاشتن سالهای پرفراز و نشیب، از تغییرات پرشتاب و پیچیده جامعه جهانی در عصر انقلاب اطلاعاتی (انفورماتیک) نیز تأثیر می‌پذیرند.

برای رسیدن به شناخت بیشتر کودکان و نوجوانان، علاوه بر آگاهیهای - کارساز و ارزنده موجود - به سلسله تحقیقات میان رشته‌ای کوتاه‌مدت و بلندمدت باید پرداخت.

در این پژوهشها، که مستلزم همکاری نزدیک تلویزیون، نهادهای علمی - پژوهشی و متخصصان است، عوامل زیر در تدوین برنامه‌های آموزشی تلویزیون باید مورد توجه قرار گیرند:

الف - متغیرهای مربوط به محتوی برنامه،

ب - تکنیک و نحوه ارائه صحیح برنامه برای بینندگان مختلف،

پ - عوامل مربوط به مدرسه و معلم، به‌خصوص نگرش و همکاری مدرسه و

تلویزیون،

ت - احساس، نگرش و نحوه برخورد والدین با برنامه‌ها و بهره‌گیری مثبت و

راهنمایی نگرشها،

ث - عوامل مربوط به بیننده، به‌خصوص: نیازها و نه صرفاً خواسته‌های او، سن،

جنسیت، هوش، نگرش بیننده نسبت به خود، احساس، انتظار و نگرش او نسبت به برنامه‌ها،

احساس بیننده نسبت به خانواده و مدرسه، نحوه پردازش، تفسیر و ارزشیابی اطلاعات

بیننده، موقعیت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی او، میزان تأثیر والدین، مربیان و همسالان،

بر نگرش کودکان و نوجوانان نسبت به برنامه‌ها.

وقتی پژوهشهایی با کیفیت کافی انجام شود، می‌توانیم هم به این سؤال پاسخ دهیم که

"تلویزیون چه تأثیری بر مهارتهای تحصیلی کودکان و نوجوانان مادارد؟"، هم قادر خواهیم بود

مسیر فکری خود را تغییر داده و با اتخاذ بینشی علمی و زایشی^۷ به این سؤال جواب دهیم

که: "چه کنیم تا تلویزیون به‌عنوان وسیله‌ای اثربخش بر مهارتها، عملکرد درسی و کلاً یادگیری و رشد

همه‌جانبه کودکان و نوجوانان ما اثری مثبت و سازنده داشته باشد؟".

خلاصه و نتیجه‌گیری

نقش تلویزیون به‌عنوان وسیله‌ای اثربخش در تغییر و تحول در دوران بازسازی و در عصری که به عصر "مافوق صنعتی"^۸، "عصر پویایی"^۹ و به قول آلوین تافلر^{۱۰} - آینده‌نگر معاصر - به "عصر دانایی"^{۱۱} مشهور می‌باشد، بسیار حساس و ظریف است. (۱۲)

در برهه‌ای از زمان که تغییرات جهان آنقدر سریع شده‌است که پیدایش و فروپاشی به‌صورت دو همزاد درآمده‌اند، بهتر است به‌جای نگرانی، نظاره یا ستیز با اثرات متنوع تلویزیون، سعی کنیم که درک بهتر و عمیق‌تری از اثرات گوناگون آن به‌ویژه اثرات مثبت آن بدست آوریم.

به طوری که ملاحظه شد مقاله، "تأثیر تلویزیون بر مهارت‌های تحصیلی کودکان و نوجوانان" را مورد بررسی قرار داد. با استناد به پژوهش‌های موجود، اثرات مثبت و منفی تلویزیون بر کارکردهای ذهنی کودکان و نوجوانان مورد بررسی قرار داد و بالأخره به این نتیجه رسید که در مورد اثرات مثبت و منفی تلویزیون بر عملکردهای ذهنی و کودکان و نوجوانان بر مبنای پژوهش‌های ناکافی موجود نمی‌توان نتیجه‌گیری دقیق نمود.

با توجه به محدودیت‌های پژوهش‌های موجود و با در نظر گرفتن شرایط خاص جامعه خود، پیشنهاداتی را برای پژوهش‌های آینده ارائه کرد.

با انجام این پژوهشها - که ابعاد عمده آنها مطرح گردید - می‌توان به تأثیر تلویزیون بر مهارت و عملکرد تحصیلی کودکان و نوجوانان ایرانی پی برد؛ به‌اضافه به این سؤال پاسخ داد که: "چه باید کرد تا تلویزیون بر مهارت‌ها و عملکرد تحصیلی، یادگیری همه‌جانبه - و کلاً - رشد و تحول فراگیر کودکان و نوجوانان ایرانی اثرسازنده و مفید داشته باشد؟".



زیرنویسها:

- 1 - Attention Span
- 2 - Encoding
- 3 - Sensory Registration
- 4 - Permanent Change
- 5 - Retrieval
- 6 - Active Listening
- 7 - Generative
- 8 - Super Industrial
- 9 - Dinamic age
- 10 - Elvin Toffler
- 11 - Era of Knowledge



منابع:

- ۱ - برکچیان، حسن و کاشفی، محمود. پژوهشی در مورد اثرات تلویزیون آموزشی در مدارس راهنمایی. مؤسسه تحقیقات دانشگاه تربیت معلم. شهریور ۱۳۵۵.
- ۲ - نظرخواهی از دانش آموزان مدارس تهران در مورد تلویزیون. سمینار ارزشیابی برنامه‌های کودک و نوجوان صدا و سیما. آذر ۱۳۷۰. (چاپ نشده است)
- 3 - *a*: Dorr, A. (1986). *Television and Children: A Special Medium for a Special Audience*. London: Sage Publication.
b: Williams, T. M. (1986). *The Impact of Television: A Natural Experiment in three Communities*. Orlando, Fl: Academic Press.
c: Morgan, M. (1980). "Television Viewing and Reading: Does More Equal Better?" *Journal of communication*, 39, 159-165.
- 4 - Shahraray, M. (1977). *Mother-child interaction: A comparative Analysis of Iranians Residing in Iran and in the United States*. Unpublished Doctoral Dissertation.
- 5 - *a*: Ball, S. and Bogatz, G. A. (1970). *A summary of the Major Findings in the First year of Sesame Street: An Evaluation*. Princeton, N. J.: Educational Testing Service.
b: Bogatz, G. A. and Ball, S. (1971). *The Second year of Sesame Street: A continuing Evaluation*. Princeton, N. J.: Educational Testing Service.
- 6 - Rice, M. L., Houston, A. C., Truglio, R. and Wright, J. "Words from sesame street" *Learning Vocabulary While Viewing*", *Developmental Psychology*, 1990, 26, 421-428.

7 - Anderson, D. R. and Collins, P. A. (1988). **The impact on children's influence on cognitive development.** U. S. Department of Education, Office of Educational Research and Improvement.

8 - Corteen, R. S. and willims, T. M. (1986). "**Television and reading skills.**" In T. M. Williams, (Ed.), **The Impact of Television** Orlando, Fl.: Academic Press, 39-89.

9 - Doerken, M. (1983). "**Classroom Combal**", **Teaching and Television.** Englewood Cliffs, N. J.: Educational Technology Publications.

10 - Hornik, R. (1981). "**Out-of-School Television and Schooling: Hypotheses and methods**", *Review of Educational Research*, 51(2), 193-214.

11 - Keith, T. Z., Reimers, T. M., Fehrman, P. G., Pottsbaum, S. M. and Aubey, L. W. (1986). "**Parental Involvement, Homework, and T. V. time: Direct and Indirect Effects on High School Achievement**", *Journal of educational psychology*, 78, 373-380.

۱۲ - تافلر، آلرین. **جابجایی در قدرت: دانایی و ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست و یکم.** ترجمه شهیندخت خوارزمی. جلد اول. تهران. چاپخانه رخ. ۱۳۷۰.

